

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی دیگر از مواردی که از تقییه استثناء شده موردی است که مربوط به یکی از خطبه های نهج البلاغه می باشد یعنی کلام ۵۶ طبق شماره گذاری فیض الاسلام که این کلام است: « و من کلام له علیه السلام قال لأصحابه : أما إنَّه سیظهر علیکم بعدی رجلٌ رحب البعوم ، مند حق البطنی ، یا کل ما یجد ویطلب ما لایجد ، فاقتلوه ، ولن تقتلوه ! ألا وإنَّه سیامرکم بسبیِّ والبراءة منی ؛ فأما السَّبُّ فسبُّونی ، فإنَّه لی زکاة ، ولکم نجاة ؛ وأما البراءة فلا تتبرَّ منی ؛ فإنی ولدت علی الفطرة ، وسبقت إلی الایمان والهجرة » .

حضرت در این کلام از جریانی که بعد از ایشان اتفاق خواهد افتاد یعنی اینکه معاویه مسلط خواهد شد و اصحاب حضرت امیر (ع) را مورد اذیت قرار خواهد داد خبر می دهند . یکی از مسائل بسیار مهم مسئله اخبار پیغمبر (ص) و ائمه (ع) از غیب می باشد ، علامه امینی در جلد ۵ الغدیر این بحث را مطرح کرده اند و فرموده اند عده ای از اهل تسنن که با ما نظر بغضاء دارند می گویند شیعیان قائلند که ائمه (ع) آنها غیب می دانند و حال آن که علم غیب از مختصات ذات پروردگار عالمیان می باشد ، سپس ایشان مقداری از روایاتی را که در آنها اهل بیت (ع) از غیب خبر داده اند را از قول آنها نقل می کند و بعد از آنها جواب می دهد و می گوید که ؛ اخبار اهل بیت (ع) از غیب اشکالی ندارد و درست است که علم غیب ذاتاً مختص خداوند متعال می باشد اما ممکن است که خداوند متعال افرادی را از غیب آگاه کند و این اشکالی ندارد و در آیات قرآن هم به این مطلب اشاره شده مثلاً حضرت عیسی می فرموده اند من به شما خبر می دهم که چه چیزی را در خانه هایتان پنهان کرده اید و چه چیزی می خورید خوب مسلماً حضرت عیسی با کمک پروردگار از غیب خبر می داده اند ، خلاصه علامه امینی بحث بسیار مفصل و جامعی را انجام داده اند

و بعد ایشان خطاب به سنی ها می فرماید ما مواردی از خود شیخهای شما سراغ داریم که از غیب خبر می داده اند چطور شما به ائمه ما می رسید ما را سرزنش می کنید در حالی که خود شما در کتابهایتان مواردی را ذکر می کنید که علماء شما از غیب خبر می داده اند ، خلاصه اخبار ائمه (ع) از غیب یکی از بحثهای بسیار مهم می باشد و این کلام حضرت امیر (ع) هم از همین موارد است که حضرت در آن از بعد از خودش و تسلط معاویه بر مسلمین خبر می دهد البته حضرت با اوصاف خاصی از معاویه یاد می کند که در واقع اشاره به نفرین پیغمبر (ص) در حق معاویه دارد ، بعد حضرت در ادامه کلامشان می فرمایند که معاویه شما را امر می کند که مرا سب کنید و از من برائت بجوئید که اگر چنین شد مرا سب کنید که سب شما باعث علو درجه من می شود و از طرفی هم باعث نجات جان شما در مقابل معاویه می شود چون اگر این کار را نکنید شما را می کشد ، و اما اگر از شما خواست که از من بیزاری بجوئید این کار را نکنید چرا که من بر اساس فطرت الهی به وجود آمده ام و از لحاظ ایمان و هجرت من بر همه پیشی گرفته ام . خوب شاهد ما در کلام حضرت امیر (ع) جمله : « و اما البراءة فلا تتبرأوا منی » می باشد که این مورد از موارد تقییه استثناء شده است . اما شرح این کلام حضرت امیر (ع) اولاً در ص ۳۳۸ از جلد ۴ شرح خوئی و ثانیاً در ص ۱۴۸ از جلد ۲ شرح بحرانی و ثالثاً ص ۵۴ از جلد ۴ شرح ابن ابی الحدید و رابعاً در ص ۳۰۶ از جلد اول شرح فی ضلال آمده است ، و اما صاحب وسائل هم در باب ۲۹ از ابواب الأمر والنهی روایات مربوط به این کلام حضرت امیر (ع) را ذکر کرده است که ما بعضی از آنها را می خوانیم البته اخباری که در این باب ذکر شده اند بسیار متعارض و متفاوت می باشند و به چند دسته تقسیم می شوند ، دسته اول اخباری هستند که دلالت دارند بر وجوب برائت و بیزاری که خبر ۲ و ۱۱ از این باب ۲۹ بر این مطلب (وجوب برائت) دلالت دارند . دسته دوم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه نباید تقییه کند حتی اگر در این راه کشته شود . دسته سوم اخباری هستند که دلالت دارند بر تخییر یعنی مخیر است بین اینکه تقییه تبری بجوید تا اینکه کشته نشود و بین اینکه تقییه نکند تا اینکه کشته شود مثل

میثم تمار و حجر بن عدی و امثال آنها . دسته چهارم اخباری هستند که دلالت دارند بر مذمت میثم تمار که نباید این کار را انجام می داد تا اینکه کشته نشود . دسته پنجم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه عدم برائت افضل می باشد یعنی اگر این شخص خودش را به کشتن بدهد افضل از این است که برائت بجوید که خبر ۷ از باب ۲۹ بر این مطلب دلالت دارد . دسته ششم اخباری هستند که دلالت دارند بر حرمت برائت ولو اینکه کشته هم بشود که خبر ۹ و ۱۰ از این باب ۲۹ بر این مطلب دلالت دارد . اما خبر ۱۲ دلالت دارد بر اینکه مرخص فیه می باشد یعنی یا تن به شهادت بدهد و یا تبری بجوید و زنده بماند .

خوب همانطور که ملاحظه می کنید در این باب اخبار متعارض زیادی وجود دارد و کسانی که در باب تقیه بحث کرده اند کلام امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان یکی از مستثنیات تقیه ذکر کرده اند خوب حالا شما این اخبار و کلام حضرت امیر (ع) را مطالعه کنید تا در جلسه بعد درباره آنها بحث کنیم... .

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

